

شماره
انتخاباتی

۵۲۲
صفحه ۱۰



نشان
انتخاباتی



زهرا ایکان

کاندیدای مستقل ولسی جرگه - کابل

شماره
انتخاباتی

۷۱۶
صفحه ۱۲



نشان
انتخاباتی



ویدا ساغری

کاندیدای مستقل ولسی جرگه - کابل

- سال دوم
- شماره ۵۵
- دوشنبه
- ۹ میزان ۱۳۹۷
- قیمت ۱۰ افغانی
- Monday
- October 1, 2018
- Vol. 2
- No. 55



این جا، چراغی روشن است

نقشه نام

عظمت ما انسان ها چندان به قدرت دوباره ساختن جهان مربوط نمی شود، بلکه به توانایی دوباره ساختن خود مان بسته گی دارد.

مهاتما گاندی

روی کرد نیمه مخ

مشارکت گسترده زنان در انتخابات

ارج گذاری به انتخابات و حمایت از زنان کاندید یکی از اصلی ترین راه های افزایش نقش زنان در سیاست است

میزان مشارکت زنان در این دوره انتخابات چشم گیر است. افغانستان کشوری که تا چند سال پیش شاهد سنگسار کردن بانوان به دلیل تنها بیرون رفتن شان از خانه بود، امروز شاهد حضور بی نظیر آنها در انتخابات پارلمانی است. بدون شک این بهترین فرصت است برای زنان. تصور مردم از زنان، چیزی نیست جز طفل به دنیا آوردن و در کنج آشپزخانه ماندن. برای منسوخ کردن این اندیشه، حضور فعالانه شان که در بسا موارد بهتر از اکثریت مردان ظاهر شده اند مهم است.

اینک که فصل جدیدی در راه است، این وظیفه ی زنان است که بتوانند خوب بدرخشند و در کارزار انتخاباتی برابر با مردان به پیش روند و حتا پیش تر و بهتر از آنها حرکت کنند. این قدرت در وجود زنان نهفته است. آنها در طول تاریخ قدرت مبارزه با مردان را داشته اند و ما به خوبی می دانیم که در بسا موارد بهتر از آنها عمل کرده اند. در کل، دریافته ها نشان می دهند که در تمام امورات زنده گی نقش زنان نسبت به مردان انسانی تر بوده. این را می توان از چشم دیدهای امروز فهمید. به طور نمونه؛ شیوه ی رقابت و حضور مردان در پیکار انتخاباتی تا اندازه ی بسیار غیر انسانی است. از قتل، فریب، چاپلوسی و هرنوع ابزار خوب و بد استفاده می کنند تا به قدرت برسند، در این خصوص زنان در کل مخالف این روند است. اگر هم زنی دست به انجام عمل نادرستی می زند به اندازه جنایت که

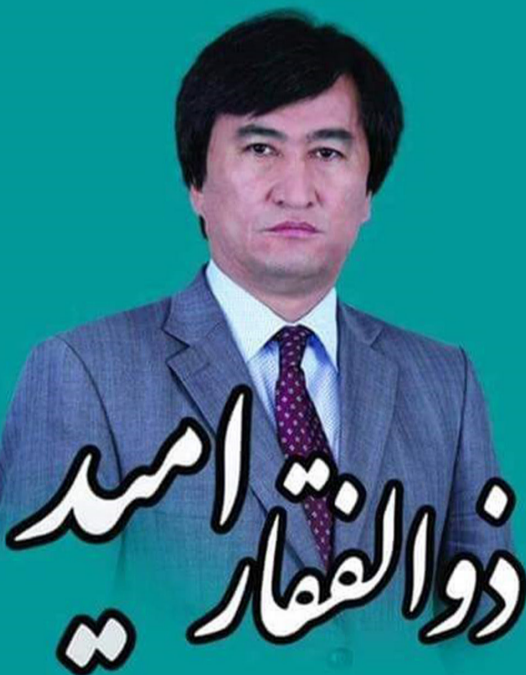
ادامه در صفحه ۳...

حضور زنان مهم ترین اصل در یک اجتماع (انسانی) است



افغانستان با بحران نیروی انسانی زن (زنان باسواد، توانا و با درک) مواجه است.

صفحه ۳



شماره
انتخاباتی

۶۸۳



نشان
انتخاباتی

به سوی
آینده ی نیک
خراطر میرویم!

شماره انتخاباتی

۳۷۵

نشان انتخاباتی



مریم سما

موان ترین کاندیدای ولسی جرگه کابل

صفحه اول

۳۳

شماره رای دهن



نشان انتخاباتی

خانعلی رلومند

کاندیدای مستقل ولسی جرگه ولایت کابل

«تعهد من سپارم که از عملکرد های حکومت حسابگیر و به شما حسابده باشم»



کتاب اخگر رهنورد
بخش چهارم و پایانی

ج. اندیشه‌ها

سوم. مردسالاری: به سان سایر حوزه‌های فکری سعداوی، مسئله مردسالاری نیز برای او از تجارب زیسته زنده‌گی‌اش ناشی می‌شود. شوهر اولش، پس از ازواج با او، کاملن تغییر می‌کند و سعداوی در می‌یابد که شوهرش او را فریب داده است. شوهرش در تلاش تحمیل «عقاید مردسالاری» اش بر او بود، و این، برای سعداوی - که هیچ حق مالکیتی بر زنان برای مردان قایل نبود - غیر قابل قبول بود. گذشته از این، سعداوی با مادرش، که باورهای جامعه مردسالار را کاملن پذیرفته و در تلاش تحمیل و تزییق آن‌ها به سعداوی است، نیز به مخالفت بر می‌خیزد و علیه آن باورها شورش می‌کند. مادر سعداوی که بدش نمی‌آمد مدام در باره موه‌های او اظهارنظر کند، سعداوی را وا داشت موه‌هایش را کوتاه کند؛ صرفن به این دلیل که موه‌های درازش با جنسیتش پیوند دارد: بر حسب باورهای مردسالارانه جامعه، زنان باید موه‌های دراز داشته باشند. سعداوی این کوتاه کردن موه‌هایش را گونه‌ای از مبارزه علیه عقاید مردسالارانه جامعه سنتی می‌داند، که در آن پیروز هم می‌شود. او در کتاب «خاطرات یک زن پزشک» در این مورد می‌گوید: برای اولین بار در زنده‌گی‌ام بدون اجازه مادرم از خانه بیرون رفتم؛ در خیابان راه می‌رفتم و مبارزه تا حدی دل و جرات را به من بخشید و قلبم از ترس می‌پرید؛ به تابلویی نگاه کردم که نوشته شده بود: آرایشگاه زنانه... لحظه‌ای تردید داشتم؛ سپس داخل شدم به موه‌هایم نگاه کردم در حالی که بین دو لبه قیچی تیز خمیده می‌شد روی زمین می‌افتاد... مادرم فریاد بلندی کشید و سیلی محکمی بر صورتم زد... سپس سیلی پشت سیلی می‌آید و من همان‌طور ایستادم... اشک‌هایم جاری نمی‌شد؛ چشمانم باز بود و با جرات به چشمان مادرم نگاه می‌کردم. چشمانم را از چشمانش دور کردم تا آگاه نشود که شاهد شکستش هستم و به اناقم رفتم... برای اولین بار در زنده‌گی‌ام فهمیدم که پیروزی چگونه است... ترس چیزی جز شکست در پی ندارد و پیروزی تنها با شجاعت ممکن است.

این فرا رفتن‌های سعداوی از محدوده‌های جامعه سنتی و باورهای مردسالارانه، مبتنی بر نگاهی انتقادی سعداوی از دنیای محدود و نامطلوب زنانه است که جامعه در کلیت‌اش (سازمان سیاسی-اقتصادی، نظام آموزش و پرورش، خانواده و...) در پی استحکام و استمرار آن است. سعداوی می‌نویسد: «در خلوت‌م با رویاها و عروسک‌هایم بودم و فقط مادرم زنده‌گی را بر من تلخ کرده بود با کارهای بسیاری که تمامی نداشت... کارهای خانه و آشپزخانه... دنیای زنان محدود و زشت است که از آن بوی سیر و پیاز حس می‌شود». و اعلام می‌کند: «به مادرم و مادرزگم ثابت خواهم کرد که زنی هم‌چون آن‌ها نیست... من هرگز زنده‌گی‌ام را در آشپزخانه نمی‌گذرانم که سیر و پیاز پوست کنم... عمرم را به خاطر همسری که فقط می‌خورد، سیری نمی‌کنم». سعداوی معتقد است در جامعه مردسالار، رابطه میان مرد و زن، از جنس رابطه سلطه و اقتیاد است: «مرد نمی‌خواهد که زن رقیب یا شریک او باشد؛ بلکه می‌خواهد مطیع و خدمت‌کار او باشد». چهارم. آموزش و پرورش: نهاد آموزش و پرورش و تأثیرات آن بر جامعه و فرهنگ عمومی، موضوع جدی‌ترین بحث‌ها برای بسیاری از فیلسوفان، نویسندگان و پژوهش‌گران بوده است. اندیشمندانی چون «هانا آرنه»، «پوردیو»، «آنتونیو گرامشی»، «پائولو فریره» و... در زمره کسانی‌اند که در مورد تبیین رابطه نهاد آموزش و پرورش و گروه‌های ستم‌دیده و فرودست، نظریه‌پردازان جدی به حساب می‌روند. به نظر می‌رسد که دیدگاه نوال سعداوی در زمینه آموزش و پرورش با دیدگاه‌های «آنتونیو گرامشی» و «پائولو فریره» نزدیک‌تر باشد؛ هرچند نگاه فمینیستی او به آموزش و پرورش بر نگاه طبقاتی‌اش می‌چربد. سعداوی همان‌گونه که نقش خانواده را در تحمیل و تحکیم فرهنگ و باورهای جامعه مردسالار نقد می‌کند، از نقش نهاد آموزش و پرورش در این امر نیز غافل نیست. او در مورد آموزش و پرورش دختران جامعه عرب می‌نویسد: «تربیت و تعلیم یک دختر خردسال در جامعه عرب مستعمل بر یک سلسله هشدارهاست که او را از آن‌چه که عامه مردم زبان‌بار و خلاف مذهب و اخلاق می‌پندارند، باز می‌دارد. نتیجتن کودک می‌آموزد که تمایلات خود را سرکوب کند و خود را از علایق و

بانوی که قدرت آزاد اندیشیدن نداشته باشد، قربانی تصمیمات دیگران می‌شود

ترس چیزی جز شکست در پی ندارد و پیروزی تنها با شجاعت ممکن است
مرد نمی‌خواهد که زن رقیب یا شریک او باشد؛ بلکه می‌خواهد مطیع و خدمت‌کار او باشد

خواست‌های اصلی که با ضمیر او پیوند دارد تهی نماید، و آنگاه خلاء حاصل را با خواسته‌های دیگر از نو پر کند. تربیت یک دختر خردسال به این ترتیب به یک جریان آرام‌انهدام، و به یک سرکوب تدریجی فکر و شخصیت تبدیل می‌شود، و از او آمیزه بی‌جانسی از گوشت و خون و استخوان به جای می‌گذارد که تنها ظاهری شبیه انسان دارد و حرکاتی چون آدمک‌های مصنوعی را از خود بروز می‌دهد. به این ترتیب، «دختری که شخصیت خود و قدرت فکر و اندیشه آزاد را از دست داده باشد باز بچه دست دیگران و قربانی تصمیمات‌شان خواهد بود».



اغلب نوشته‌هایش بحث ختنه دختران را باز می‌کند و در مخالفت با آن به تبعات جسمی روانی آن بر دختران، به عنوان یک طیب و روان پزشک، بحث می‌کند. مخالفت او با ختنه، اگر از یک سو بر اساس داده‌ها و شواهد پزشکی-روانی است، از سوی دیگر ناشی از تجربه تلخ و دردناک شخص خودش از این عمل است که در شش ساله‌گی‌اش اتفاق افتاد. «آن شب شش ساله‌گی خود را به یاد می‌آورم که گرم و آرام در بستر خود غنوده بودم... در درون بسترم حرکت چیزی شبیه به یک پنجه سرد و زمخت را احساس کردم که به لمس و جست‌وجوی بدن من سرگرم بود. گویی به دنبال چیزی می‌گشت. هم‌زمان با آن، پنجه‌ای دیگر، به همان بزرگی، سردی و زمختی اولی، بر دهان من قفل شد

تا مرا از فریاد زدن باز دارد. آن‌ها مرا به حمام بردند. چهره‌های شان را به یاد نمی‌آورم، این که مرد بودند یا زن، و یا تعدادشان را... همه آن‌چه که به خاطر می‌آورم این است که ترس مرا فرا گرفته بود و تعداد آن‌ها نیز زیاد بود. هم‌چنین چیزی شبیه یک گیره آهنی را به یاد می‌آورم که دست‌ها، بازوان، و ران‌های مرا در خود می‌فشرد طوری که قدرت هر گونه حرکت یا مقاومت را از من سلب می‌کرد. تماس سرد و یخ زده کاشی‌های حمام در زیر بدن برهنه‌ام را به یاد می‌آورم، و صداهای ناشناس و زم‌مه‌های نامفهومی را که گاه و بیگاه با صدای فلزی ناهنجار قطع می‌شد. صداهایی که قصاب را هنگام تیز کردن چاقوی خود و قبل از سر بریدن گوسفند عید قربان به خاطر می‌آورد.

خون در رگ‌هایم منجمد شده بود. گمان می‌کردم که چند نفر دزد به اناقم خزیده و مرا از بسترم ربوده‌اند. به نظر می‌آمد آن‌ها آماده می‌شوند تا حلقوم مرا ببرند. گوش‌هایم را تیز کردم تا صدای ناهنجار فلز را خوب بشنوم. لحظه‌ای که صدا قطع شد، انگار قلب من از زدن باز ایستاد... چیزی که صدای سوهان از خود بیرون می‌داد ظاهرن به من نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد، اما بر خلاف انتظار من آن شیء به گردن من نزدیک نمی‌شد بلکه قسمت دیگری از بدنم را نشانه گرفته بود - جایی در زیر شکمم، و شاید به دنبال چیزی پنهان در میان ران‌هایم. در همان لحظه متوجه شدم که ران‌هایم از یک‌دیگر باز شدند... من احساس کردم که چاقو یا تیغ سوهانی مستقیم به سمت گلوی من پایین آمد. اما ناگهان به نظرم رسید که لبه تیز فلزی آن به میان ران‌هایم فرو رفت و پاره گوشتی را از آن نقطه بدن من جدا کرد. من فریادی از درد زدم و دستی که دهان مرا می‌فشرد نتوانست مانع خروج آن شود زیرا آن‌چه حس کردم فقط احساس یک درد معمولی نبود، آتش سوزانی بود که سراسر جسم مرا در خود می‌گرفت. چند لحظه بعد حوضچه سرخی از خون را در اطراف کمرم گسترده دیدم.

جدیدگیسو
فروغ فرخزاد

چه گریزی ست ز من؟
چه شتابی ست به راه؟
به چه خواهی بردن
در شبی این همه تاریک پناه؟
مرمرین پله آن غرفه عاج
ای دریغا که ز ما بس دور است
لحظه‌ها را در یاب
چشم فردا کور است
نه چراغی ست در آن پایان
هرچه از دور نمایان است
شاید آن نقطه‌ی نورانی
چشم گرگان بیابان است
می‌فرماند به جام
سربه سجاده نهادن تا کی
او در این جاست نهان
می‌درخشد در می
گر به هم آویزیم
مادو سرگشته‌ی تنها، چون موج
به پناهی که تومی جویی، خواهیم
رسید
اندر آن لحظه جادویی اوج

آن‌ها مرا به بسترم باز گرداندند. سپس خواهرم را که دو سال از من کوچک‌تر بود چنگ زدند، درست به همان ترتیبی که چند دقیقه قبل مرا چنگ زده بودند. من با تمام قدرتم فریاد زدم: نه! نه! صورت او را که در میان دست‌هایی درشت و خشن حبس شده بود، می‌توانستم ببینم. رنگش مثل مرده‌ها پریده بود... لحظه‌ای نگذشت که او نیز رفته بود، پشت درهای حمام و همان‌جا که من تازه ترک کرده بودم. نگاه‌هایی که ما مبادله می‌کردیم گویی به هم می‌گفتند: «حالا می‌فهمیم که چیست. حالا می‌فهمیم که فاجعه ما از کجا ریشه می‌گیرد. ما از جنس خاصی متولد شده ایم - جنس مؤنث. سرنوشت ما را از آغاز به سیاهی رقم زده‌اند. به قطع تکه‌ای از بدن مان به وسیله دستانی سرد، بی احساس و جنایت‌کار».

این تجربه تلخ و وحشتناک را سعداوی هیچ گاهی فراموش نکرد. اما زمانی که در کنفرانسی از سوی سازمان ملل، این داستان را برای مخاطبان بیان کرد و پس از آن ختنه و حجاب به عنوان مسایل اساسی فمینیسم در کشورهای اسلامی، موضوع سخنرانی بسیاری‌ها در آن کنفرانس شد، سعداوی با خاطر آزرده و با تأکید بر این که مسئله ختنه صرفن مسئله کشورهای اسلامی نیست، اظهار داشت: «همه زنان دنیا ختنه شده‌اند؛ اگر این ختنه، فزیکتی نبوده «روانی و تربیتی» بوده است».

پانوش: این نوشته، صرفن معرفی مختصر و فشرده از زنده‌گی، آثار و دیدگاه‌های نوال سعداوی بود. توضیحات مفصل در مورد او، به ویژه شرح و بسط آراء و دیدگاه‌هایش، در نوشته‌های این چنینی نمی‌گنجد. امیدوارم نویسندگان و پژوهش‌گران و فعالان عرصه ادب و فرهنگ در افغانستان که در زمینه مسایل زنان، به خصوص در کشورهای اسلامی، کار می‌کنند، در معرفی سعداوی، ترجمه آثار او و شرط و بسط دیدگاه‌هایش، تلاش ورزند؛ چه بسا مسایل مورد توجه سعداوی، به شکلی، مسایل حاد جامعه و فرهنگ ما هم استند.

از دیدگاه خانم علی‌زاده «انتخاب زاویه‌ی دید اول شخص که خانم زهرا نوری در بسیاری از داستان‌هایش آورده، اولین چیزی است که نشان می‌دهد از لایه‌های زیرین به معضلات جامعه‌ی زن پرداخته است»

نویسنده با استفاده از نثر شاعرانه در متن داستان نشان داده است که فردی خون‌سرد نیست. او با روایت جان دادن به اشیا درد و ظلمی را که به زن می‌شود، نشان می‌دهد. علی مسعودنیا، نویسنده‌ی ایرانی و از دیگر منتقدان حاضر در این نشست ابتدای سخن خود را با معذرت خواهی از سختی‌هایی که مهاجرین در ایران داشته‌اند آغاز کرد و گفت: «این فرصت را مغتنم می‌دانم و یک عذرخواهی بزرگ ما ملت ایران به عزیزان همسایه بده کاریم که وجدانن در طول این سال‌ها رفتاری که در شان مردم

«من»‌های راوی در ارتباط هستید تا زاویه دید دیگری. ما با چهار راوی زن یا دختر روبه‌رو هستیم و از یازده داستان این چهار راوی خانم هستند. در داستان‌های دیگر اگر دقت کنید می‌بینید روایت من از خود و جهان پیرامون من برای من خیلی مهم‌تر از این هست که بخواهم از زاویه دید سوم شخص استفاده کنم.

به گفته‌ی خانم علی‌زاده نقد دو سویه دارد. از یک طرف کسی که نقد می‌کند، می‌آید و نظر خودش را فقط بیان می‌کند و این تحمیلی است. از طرف دیگر نشانه‌های متنی است که می‌گوید نویسنده خواسته و یا ناخواسته دست به کاری زده است. این نشانه‌ها هستند که نشان می‌دهد، آیا نویسنده از لایه‌ی زیرین توانسته است معضلات را بیان کند و یا فقط نویسنده سخن گو بوده است؟

● ادامه از صفحه چهارم

نخ قرمز به جای...

پنهان برای شما عنوان کند یا این که آن را در مستقیم گویی شخصیت‌ها ارایه می‌کند. این نکته‌ای است که در هر داستانی نویسنده باید در نظر بگیرد؛ چون در دنیای امروز همان‌طور که قرار است سنت‌ها و خرافات کنار گذاشته شود باید این موضوع هم مد نظر باشد که خواننده گان امروز بسیار هوش مند و توان‌مند استند و مستقیم گویی در داستان جایی ندارد.

خانم علی‌زاده تأکید کرد که در این مجموعه شما با

نجیب افغانستان باشد نداشته‌ایم. من به شخصه روسیاهم و به اندازه خودم عذرخواهی می‌کنم.»

آقای مسعودنیا درباره مجموعه داستان زهرا نوری گفت: این مجموعه با تمام کاستی‌ها مجموعه‌ای خوش‌خوان و خواندندش برایم لذت بخش بود. داستان‌های این کتاب، شخصیت محور است و با تأکید و بیان صریحی گفته شده باعث جذابیت برای خواننده‌گان شده است. این کتاب مجموعه‌ی تماتیک است یعنی براساس تم خاصی مثل زن، تن، لباس و نگاه مرد مدام در جاهای مختلف کتاب تکرار می‌شود.

در پایان مراسم رونمایی، حاضران در جمع نظرات خود را بیان کردند و مراسم با امضا کتاب توسط خانم زهرا نوری برای حاضران خاتمه یافت.



حضور زنان مهم‌ترین اصل در یک اجتماع (انسانی) است



گفت‌وگو

گولام‌حسین احمدی

گفت‌وگو با عزیز الله رفیعی،
رییس شبکه جامعه مدنی «مجما»

حقوق زنان در افغانستان یک بحث کلان و هم‌چنین حمایت و دادخواهی از زنان نیازمند کارکرد مداوم و طولانی‌مدت است، در عصر نوین، نقش نهاد های مدنی و سازمان‌های حمایت از زنان در افغانستان چگونه بوده است؟

حقوق زنان در افغانستان یک بحث کلان تاریخی است، بنابراین با وجود فعالیت‌های زیادی در این بخش، ممکن به نتیجه‌های جدی و رضایت‌بخشی نرسیده باشیم؛ اما نفس فعالیت در این عرصه توانسته است باعث انجام کارهای بنیادی شود. به‌طور نمونه، قانون اساسی افغانستان برای زنان فرصت‌های تحصیلی، مشارکت سیاسی و دیگر امتیازها را در نظر گرفته است. قانون جزایی و قانون منع خشونت علیه زنان، کارهای بنیادی می‌باشد که زمینه‌ساز مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان شده است.

زنان توانایی هماهنگی بیش‌تر و بهتر را دارند. آنان می‌توانند روی توان‌مندی خودشان سرمایه‌گذاری کنند و در تمام عرصه‌ها از خودشان حمایت کنند؛ اما زنان این فرصت‌ها را کم‌تر متوجه می‌شوند. زنان بیش‌تر به عنوان حربه‌های سیاسی، اجتماعی و مدرنیته استفاده می‌شوند. حضور زنان در افغانستان بیش‌تر نمادین است. زنان توان‌مند زیاد وجود دارند که باید در سمت‌های دولتی جابه‌جا شوند ولی به‌خاطر نداشتن روابط و علایق با قشر سیاسی افغانستان همیشه محروم می‌شوند.

هم‌چنین فرصت‌های تعلیمی-تحصیلی دست‌آورد بزرگی است که نهادهای مدنی در این عرصه‌ها فعالیت داشته‌اند. از آن‌جا که رعایت حقوق زنان در افغانستان یک بحث عمیق و تاریخی است، نتوانستیم تغییرات لازم را در مدت هفده سال اخیر ایجاد کنیم. سرکوب چندین قرن در مدت یک و نیم دهه زوده نخواهد شد.

جامعه مدنی افغانستان در طول یک و نیم دهه اخیر در راستای حمایت، دادخواهی و ظرفیت‌سازی زنان چه کارهایی انجام داده است و اکنون چه برنامه‌ها دارید؟

دادخواهی در مسایل حقوقی بزرگ‌ترین بخش کاری جامعه مدنی می‌باشد که انجام داده است. تغییر و بهبود در وضعیت زنده‌گی زنان با کارهای مقطعی ممکن نیست، بلکه نیازمند کارهای بنیادی و درازمدت است. کارهای ما بیش‌تر متمرکز بر حقوق سیاسی زنان بوده است.

در مسایل حقوقی،

آیا آن‌گونه که باید، کار شده است؟

در ابتدا زنان نیازمند قوانینی هستند که از آنان حمایت کند و پشتیبان قانونی داشته باشند که برای شان فرصت‌ها را فراهم کند. اکنون قوانینی تصویب شده که حق تحصیل، حق کار، حق برخورداری از میراث و دیگر امتیازات، حقوق انسانی و حق شرعی آنان است.

تنها تصویب مقرره‌ها و قانون‌نامه‌ها مشکلات زنان را حل نخواهد کرد، در متن جامعه چه تغییراتی ایجاد شده است که باعث بهبود وضعیت زنده‌گی زنان شود؟

ما از نظر دادخواهی به نتایج خوبی دست یافته‌ایم. آگاهی‌دهی که صورت گرفته نیز مثبت بوده و از نگاه آگاهی نیز به مرحله‌ای رسیده‌ایم که زنان از

افغانستان با بحران نیروی انسانی زن (زنان باسواد، توانا و با درک) مواجه است.

حقوق شان آگاه شده‌اند. هرچند این آگاهی‌دهی حساسیت‌آفرین بوده و بازخورد این مسئله با شکنجه و زورسالاری مردان مواجه شده است. اگر چند حساسیت اجتماعی ایجاد شده، اما اهمیت موضوع این است که زنان آگاه شده‌اند و برای دفاع از حقوق شان می‌ایستند.

وقتی دفاع و حمایت از حقوق زنان یک خواسته‌ای برحق است، نه خواست فراقانونی، پس چرا آگاهی‌دهی در این مورد حساسیت‌آفرین می‌شود؛ آیا نحوه‌ی عمل‌کرد این نهادها اشکال دارد یا بستر پذیرش آن مهیا نیست؟

ما در یک جنگ عنعنه و سنت با مدرنیته و قانون قرار گرفته‌ایم. عنعنه در افغانستان حکم می‌کند که زن در افغانستان محکوم باشد، سنت‌های اجتماعی

زن در افغانستان قرار داریم. با وجود حمایت قانونی، هنوز هم زنان از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم هستند. با وجود تجربه‌ی محرومیت دیرینه و جنگ چهل ساله - که عمدتاً از زنان قربانی گرفته است - با چند پروژه و هفده سال کار در افغانستان تغییر فوری و بنیادین در وضع زنده‌گی زنان ایجاد نخواهد شد. حداقل چهل سال نیاز است تا گذشته‌ی قبل از جنگ احیا شود.

این‌که کار در حد نیاز انجام نشده درست، اما بعضی از پروژه‌های موقت، در انجام همان مکلفیت خود هم ناکام تلقی می‌شود. چرا؟

در مجموع فضا برای حمایت از زنان در افغانستان مساعد نیست. هنوز زن‌ستیزی در افغانستان به عنوان یک حربه اساسی و یک وسیله همیشه قابل



دست‌رس به کار گرفته می‌شود. هر نوع تحرک برای زنان ایجاد می‌کند چندین دهه مبارزه صورت گیرد. هرچند با محدود کردن تحرک اجتماعی زنان، نمی‌توان اعتماد به نفس آنان را نابود کرد ولی هنوز دختران برای تحصیل در بیرون از کشور با موانع خانوادگی مواجه‌اند. اکثریت مردان افغانستان حتا حاضر به تحصیلات عالی زنان نیستند. این‌جا یک مبارزه‌ی سنت و مدرنیته است. برای موفقیت زنان باید پروژه‌های کوتاه مدت و نمادین توسط انجیوها، نهادهای حامی زنان و جامعه مدنی صورت بگیرد و دولت نیز کارهای بنیادین و پایدار انجام دهد.

نهادهای حامی زنان و انجیوها مکلف بودند در راستای ظرفیت‌سازی زنان کار کنند تا زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی حضور داشته باشند. حضور زنان مبحث ابتدایی بود که در طول یک و نیم دهه برای آن مبارزه می‌شد، حالا بحث تنها مشارکت سیاسی زنان و ضرورت حضور آنان نیست، بلکه زنان باید حضور موثر داشته باشند. پس برای ایجاد این موثریت چه راه‌کاری باید روی دست گرفته شود؟

محرومیت یک پدیده‌ی بسیار زشت است. وقتی زنان به محرومیت‌های شان پی می‌برند حساس می‌شوند. این حساسیت‌ها فضایی را ایجاد می‌کند که ممکن مناسب و مساعد باشد و یا ناگوار. زنان توانایی هماهنگی بیش‌تر و بهتر را دارند. آنان می‌توانند روی توان‌مندی خودشان سرمایه‌گذاری کنند و در تمام عرصه‌ها از خودشان حمایت کنند؛ اما زنان این فرصت‌ها را کم‌تر متوجه می‌شوند. زنان بیش‌تر به عنوان حربه‌های سیاسی، اجتماعی و مدرنیته استفاده می‌شوند. حضور زنان در افغانستان بیش‌تر نمادین است. زنان توان‌مند زیاد وجود دارند که باید در سمت‌های دولتی جابه‌جا شوند ولی به‌خاطر نداشتن روابط و علایق با قشر سیاسی

افغانستان همیشه محروم می‌شوند. این معضل نه تنها برای زنان، بلکه برای تمام نسل دانش‌آموخته‌ی افغانستان نیز محسوس است. همان‌گونه که در ابتدا بحث شد، وجود حمایت و پشتیبانی قانونی برای زنان مهم است و در راستای حقوق سیاسی زنان جامعه مدنی هم کار کرده است تا حضور زنان موثر باشند. حقوق سیاسی و مدنی شامل حال تمام

هرچند با محدود کردن تحرک اجتماعی زنان، نمی‌توان اعتماد به نفس آنان را نابود کرد ولی هنوز دختران برای تحصیل در بیرون از کشور با موانع خانوادگی مواجه‌اند. اکثریت مردان افغانستان حتا حاضر به تحصیلات عالی زنان نیستند. این‌جا یک مبارزه‌ی سنت و مدرنیته است. برای موفقیت زنان باید پروژه‌های کوتاه مدت و نمادین توسط انجیوها، نهادهای حامی زنان و جامعه مدنی صورت بگیرد و دولت نیز کارهای بنیادین و پایدار انجام دهد.

بحث‌های دیگر مثل حقوق اقتصادی، آموزشی-تحصیلی و دیگر امکانات می‌شود تا زنان بتوانند با استفاده از این فرصت برای خودشان کارهای بیش‌تری بکنند [تا از حق شان محروم نمانند].

در جامعه مدنی افغانستان؛ تا چه اندازه زنان حضور دارند؟

حضور زنان در جامعه مدنی افغانستان ۳۳ درصد می‌باشد.

آیا این میزان حضور زنان در این نهاد کافی است؟

این حضور، حضور موثر است که در تیم رهبری جامعه مدنی افغانستان سه تن شان زن هستند.

در اخیر، به نظر شما، مکلفیت اصلی زنان برای مشارکت سیاسی شان و موثریت نقش آنان در دولت و سکتورهای خصوصی چیست؟

اساسی‌ترین مکلفیت زنان حضور شان است. خود زنان باید برای دفاع از حقوق، حمایت، دادخواهی و آگاهی‌دهی زنان حضور داشته باشند.

● ادامه از صفحه اول

ادامه روی کرد **روی‌کرد نیمه‌مخ**

مشارکت گسترده...

مردان مرتکب می‌شوند بزرگ نیست. با در نظر داشت جنبه‌های مثبت و منفی، برای مردم افغانستان و به خصوص بانوان حمایت از زنان کاندید که توانایی و درک دارند یک نیاز است. حمایت از زنان ضروری‌ترین ضرورت ماست، چون «هیچ اجتماعی با زنان خانه نشین به توسعه نمی‌رسد». بنابراین برای داشتن یک دنیای بهتر و انسانی تلاش کنیم و به تمام انسان‌ها امتیاز برابر بدهیم و از آن‌های که در محرومیت به سر می‌برده‌اند حمایت کنیم. در انتخابات حمایت از زنان توانا یک ضرورت است و ما نباید غافل از این اصل باشیم. برای پیش‌برد این کار مردان مردان دانا و فهیم باید بیش‌تر از هر زنی نقش داشته باشند.

نخ قرمز به جای لب‌هایش

رونمایی از کتاب «نخ قرمز به جای لب‌هایش» در تهران



گزارش
کتاب فریبا فولی زاده

روبه‌رو هستیم. اولین چیزی که می‌توانم در مورد این داستان‌ها بگویم این است که من این داستان‌ها را در دسته بومی-اقلمی می‌بینم و علت آن این است که ما با داستان‌هایی روبه‌رو هستیم که یک لحن یا یک شبه لحن را برای خود در نظر می‌گیرد و هم‌چنین فضا و اشیایی که در این داستان‌ها هستند مخصوص به همین خطه‌ای هستند که مشغول به روایت داستان است. آن چیزی که در داستان‌های بومی-اقلمی باید ملاک قرار داده شود فقط زبان یا ساخت فضا یا آن اشیای بومی و آن مکان اقلیمی نیست. چیزی که داستان اقلیمی را از دید من به آن ارج داده می‌شود آن نگاه قالب و گفت‌وگوهای است که در متن رسوخ پیدا می‌کند و ما به دنبال آن تفکر و گفتمان قالب پیش می‌رویم.

چیزی که در داستان‌های خانم نوری مشاهده می‌شود تمرکز وی بر روی زنده‌گی زنان و ظلم‌هایی است که بر آن‌ها روا داشته می‌شود. به‌خاطر همین می‌توان گفت، آن گفتمان قالبی که در این داستان‌ها خودش را بیش‌تر نشان می‌دهد دیدگاهی است که دیگران نسبت به زن دارند که در این داستان‌ها بیش‌تر دیدگاه مثبت یک مرد را نسبت به زن نمی‌بینیم. متأسفانه زن‌های این داستان مرتب این مسئله را به شکل‌های مختلف حسرت، ای کاش و آرزوهایی که تحقق نیافته، تکرار می‌کند.

خانم علی‌زاده، نویسنده گان داستان‌های بومی-اقلمی را به دو دسته تقسیم کرد و گفت: تعدادی از نویسندگان، سنت‌ها و معضله‌های اجتماعی را برجسته می‌کنند و به نوعی بر علیه گفتمان قالب قیام می‌کنند. از سنت‌ها و خرافه‌هایی می‌گویند که نباید گفته شود و به نوعی به صورت پیام یا لایه زیرین بیان می‌کنند. دسته دوم نویسندگان اقلیمی کسانی هستند که بر همین مسایل صحنه می‌گذارند و بر بقای این مسایل پافشاری می‌کنند. خانم نوری از آن نویسندگان دسته اول است و به نوعی روی این فرهنگ قدیمی تاکید می‌کند و معتقد است که سنت‌های کهنه را کنار بگذاریم و به سوی علم و مدرنیته قدم برداریم.

وقتی نویسنده این سبک را سرلوحه کاری خود قرار می‌دهد، مسئله این است که آیا می‌تواند این را در لایه...
ادامه در صفحه ۳...

جوآنمرد قصاب، رایزن سابق تجاری ایران در افغانستان و مسوول میز افغانستان در اتاق بازرگانی ایران و جمع کثیری از نویسندگان افغانستانی و دانش‌جویان فرهنگی برگزار شد. آغاز رونمایی با خواندن قسمتی از متن کتاب



توسط نویسنده، خانم زهرا نوری همراه بود. فرحناز علی‌زاده از نویسندگان و منتقدان ایرانی در این نشست در خصوص مجموعه داستان نخ قرمز به جای لب‌هایش گفت: «ما در این مجموعه با یازده داستان

«نخ قرمز به جای لب‌هایش» عنوان اولین مجموعه داستان نویسنده جوان مهاجر «زهرا نوری» است. داستان‌هایی که بیش‌تر با محور حسرت‌ها، ای کاش‌ها و درک نکردن می‌چرخد.

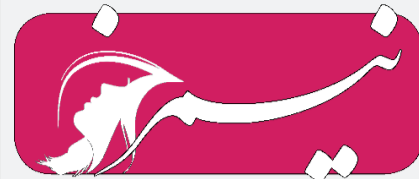
زهرا نوری فارغ‌التحصیل رشته مدیریت بازرگانی است که از سال ۱۳۹۱ نویسنده‌گی را به گونه حرفه‌ای آغاز کرده است. به گفته زهرا نویسنده‌گی نه جرقه می‌خواهد و نه لازم است اتفاقی خاص در زنده‌گی ات بیفتد تا نویسنده شوی. بلکه همه انسان‌ها به صورت غریزی می‌توانند نویسنده شوند.

زهرا در خصوص مجموعه داستانش می‌گوید: این مجموعه دارای یازده داستان است و محور داستان‌ها بیش‌تر حسرت‌ها، ای کاش‌ها و درک نکردن‌هاست. چیزهایی که در دنیای واقعی وجود دارد و در حال فرونی یافتن است.

به گفته زهرا شخصیت‌های داستان بیش‌تر زنان هستند. زنانی که بین آن‌چه که هستند و می‌خواهند باشند درگیر اند. زنانی که بین سنت و دنیای مدرن گیر کرده‌اند. در این مجموعه مشکلاتی بیان شده که تنها مختص زنان افغانستانی نیست بلکه ممکن است در هر جای دیگر نیز رخ داده باشد. به طوری که اگر یازده زن این مجموعه را کامل بخواند حتمن برای همه آن‌ها یکی از این داستان‌ها اتفاق افتاده است و یا در اطرافیان شان مشاهده کرده‌اند. نوری خاطر نشان کرد: در این مجموعه داستان‌هایی وجود دارد که یک باور غلط، به صورت یک باور غلط و نادرست تر همراه با ترس از نسل قبل به نسل جدید منتقل می‌شود. به صورتی که انتقال دهنده حتی یک دقیقه هم فکر نمی‌کند که آن اتفاق یک اتفاق ساده و طبیعی است.

نخ قرمز به جای لب‌هایش از سوی شهر کتاب مرکزی تهران و با هم‌کاری انتشارات پیدایش، عصر روز شنبه هفتم مهر ماه/میزان ۱۳۹۷ خورشیدی رونمایی شد و مورد نقد و بررسی جمعی از نویسندگان قرار گرفت.

این رونمایی با هدف نقد و بررسی کتاب از زوایای مختلف بومی و اقلیتی، نوع قالب داستان و داستان نویسی، انواع گفتمان‌ها و... با حضور عبدالجبار انصار، رایزن اقتصادی سفارت افغانستان در تهران و محمد مهدی



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۵۵ • دوشنبه ۹ میزان ۱۳۹۷
Monday • October 1, 2018
Vol. 2 • No. 55



خواننده‌گان عزیز: نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان

سرمدبیر: ریچانه رها

گزارش‌گر: آمنه امید و حسین احمدی

صفحه‌آرا: اولیا عماد

زیر نظر هیئت تحریر

به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده گان می‌باشد.

هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴

آدرس الکترونیکی:

Nimrokhweekly7@gmail.com

انتخابات

Independent Election Commission

ستاسو رایه، ستاسو راتلونکې!

رای شما، آینده شما!